



# بحران سوریه و تنش در روابط مسکو- واشینگتن

دکتر امین پرتو\*

## اشاره:

شدت گرفتن عملیات هوایی روسیه در سوریه و به ویژه همکاری با نیروهای دولتی برای تصرف بخش شرقی حلب، در کنار شکست طرح آتش‌بس مورد توافق مسکو- واشینگتن، که هر یک از دو طرف، دیگری را مسئول آن می‌دانست، روابط روسیه و ایالات متحده را به صورت بی‌سابقه‌ای تیره کرده است. دو کشور، به روشنی در اظهارات دیپلماتیک، یکدیگر را مورد تهدید مستقیم نظامی قرار دادند؛ کاهش سطح هماهنگی‌های سیاسی در خصوص سوریه، استقرار تسلیحات حساس در نقاط جغرافیایی تنش‌زا، اعمال تحریم، لغو توافقات امنیتی که در گذشته میان طرفین برقرار بود و تقابل در شورای امنیت، رویارویی متقابل آمریکا و روسیه را نشان می‌داد. البته آمریکا در اعمال فشار به روسیه با همراهی فرانسه و بریتانیا نیز همراه بود. این هم‌اوردی سیاسی، در شرایطی که جنگ در سوریه، بر روی زمین ادامه دارد و افق روشنی برای خاتمه آن دیده نمی‌شود و در شرایطی که به جز آمریکا و روسیه؛ طرف‌های دیگری هم برای حفظ منافع خود در سوریه کوشش می‌کنند، مواجه با بن‌بستی شده است که تا زمان تغییر مقام ریاست جمهوری در آمریکا، گشایشی در خصوص آن قابل تصور نیست. اوپاما و تیم همراهش، اقدام حاد نظامی در خصوص سوریه صورت نخواهند داد؛ توجه آنان به آزادی موصل است تا اوپاما با دستور قابل قبولی علیه داعش، از کاخ سفید خداحافظی کند. اما این مسئله که رئیس‌جمهوری بعدی، تا چه میزان از فشار نظامی غیرمستقیم بر روسیه در سوریه، بهره خواهد جست تا به راه‌حل سیاسی با مسکو دست یابد، چنان موجب وحشت همگان شده که ترس از «جنگ سرد دوم» یا «جنگ سرد جدید» با واژه‌ها از جنگ جهانی سوم آمیخته گردد.

## مقدمه

بر خلاف آنچه روسیه در ماه مارس ۲۰۱۶ مبنی بر خروج نیروهایش از سوریه اعلام کرده بود، حضور نیروهای نظامی در سوریه گسترده‌تر شده است. نیروی هوایی روسیه با جنگنده-بمب‌افکن‌هایی پرشمارتر، مشغول عملیات علیه مخالفان اسد است. حتی واحدهای ویژه زمینی روسیه هم به تعداد بیشتری در درگیری‌های نظامی زمینی

مشغول نبرد هستند. قدرت آتش هوایی روسیه در کنار نیروی پرشمار زمینی، پیروزی‌های بسیاری به ارمغان آورده است. محاصره حلب دوباره برقرار شده و پاکسازی بخش شرقی آن، هدف نبرد گسترده‌ای است که نیروهای هوادار اسد آغاز کرده‌اند. به جز جبهه حلب، مخالفان در غوطه شرقی و غربی دمشق، نفس‌های آخر را می‌کشند. بعد از سقوط داریا و معظمیه، دیرخیه هم سقوط کرده و خان‌الشیخ و نواحی اطراف آن در انتظار تسلیم هستند. در غوطه شرقی، شکست‌های پیاپی مخالفان در تل کردی، محمدیه و ریحان، آشکار کرده که آنان زیر فشار بمباران هوایی، حملات زمینی و



محاصره‌ای که موجب کمبود مهمات شده، چاره‌ای جز تسلیم یا نبرد تا پای مرگ ندارند. ضدحملات مخالفان هم در همه جبهه‌ها یا با شکست مواجه شده یا دستاوردهای اندکی داشته است: عملیات «غزوه عاشورا» در محور لاذقیه ظرف یک روز بعد از پیشروی اولیه با شکست مواجه شد. عملیات «فشدوا الوثاق» در محور درعا هم به سرعت شکست خورد. در شمال حما، عملیات «فی سیبل الله نمضی» پس از درگیری خونبار پدیدآمده میان احرار الشام و جندالاقصی (که احرار اکنون آن را جندالافعی می‌نامد و مجبور به ادغام با فتح الشام - جبهه نصرت سابق - شده است) شکست خورد و بسیاری از روستاها توسط نیروهای دولتی بازپس گرفته شدند. کوشش‌های دیگر در محور قنیطره و حمص هم بی‌حاصل بوده است. این وضعیت یعنی خطر شکست نظامی مخالفان، هنگامی که با اراده اسد و حامیانش برای در قدرت ماندن او همراه گردیده، موجبات نگرانی شدید آمریکا را فراهم کرده است. آمریکا خواستار توقف عملیات نظامی روسیه در حلب شرقی و اعمال فشار مسکو بر اسد برای پذیرش آغاز روند انتقالی و گذار سیاسی در سوریه شده است. ظاهراً روسیه هم تأکید دارد که مسئله سوریه به صورت نظامی حل نمی‌شود (دست کم اظهارات پوتین، وزیر خارجه لاوروف و چورکین نماینده مسکو در سازمان ملل متحد این طور نشان می‌دهد) اما جدیت روسیه در انجام عملیات نظامی در سوریه، کوشش برای به تسلیم کشاندن شرق حلب، تهدید در خصوص واکنش تند به هر اقدام علیه نیروهای خود در سوریه، نحوه گزینش اهداف در عملیات نظامی و خودداری از اعمال فشار بر اسد، تردیدی باقی نمی‌گذارد که روسیه در جستجوی پیروزی نظامی در این کشور است. البته آنچه در تلقی روسیه و شخص پوتین، «پیروزی» محسوب می‌شود، ممکن است برابر با ابقای فشار اسد نبوده و نسبت به این گزینه، نرمش بیشتری داشته باشد.

## روسیه و عملیات حلب

مخالفان اسد در بخش شرقی حلب، در محاصره هستند. علاوه بر هفت هزار مخالف مسلح، که احتمالاً فتح‌الشام (جبهه نصرت سابق) در میان آنها دست بالا را دارد، ۲۵۰ هزار غیرنظامی هم در این بخش از شهر زندگی می‌کنند. محاصره‌شدگان، چه نظامی و چه غیرنظامی، دسترسی به غذا و دارو ندارند. همان محاصره‌ای که در زبذانی، مضایا و داریا حاکم بود، بر حلب شرقی هم تحمیل شده؛ با این تفاوت که

جمعیت غیرنظامی شهر، بسیار پر شمارتر و ابعاد ناگوار انسانی این محاصره گسترده‌تر می‌نماید. تأمین آب بخش شرقی نیز به سبب نابودی سیستم تصفیه متوقف شده است. اما آنچه تلفات بیشتری ایجاد می‌کند، بمباران سنگین هوایی و کاربرد مهمات هوابردی توسط هواگردهای روس و سوری است. به نظر می‌آید روش رزم برای فتح حلب شرقی همان است که در داریا به کار برده شد؛ به سبب دشواری در پیشروی در شهری پرتراکم مانند حلب، مدافعان شهر باید با بمباران هوایی و از طریق محاصره (کمبود غذا و مهمات و دارو) از پا درآیند. حاصل عملیات، شهری سوخته اما پاکسازی شده است. جابه‌جایی غیرنظامیان هم در روند این عملیات قطعی خواهد بود. جمعیت غیرنظامی حلب شرقی، محل سربازگیری مخالفان است و ادامه حضورشان، تنها دردسر خرابکاری و مخالفت مسلحانه مجدد را ایجاد می‌کند. آمریکا و هم‌فکران آن (بریتانیا، فرانسه، سعودی و ترکیه) نسبت به تکرار یک گروزی یا سربرینسای دیگر در حلب هشدار داده‌اند. کوشش برای برقراری آتش‌بس با حمله مشکوک به کاروان کمک‌های ملل متحد در شمال حلب شکست خورد. آمریکا، روسیه را به حمله متهم کرد و همکاری دیپلماتیک با روسیه بر سر سوریه را به تعلیق درآورد. آمریکا ادعا می‌کند کوشش برای فتح حلب شرقی در شرایطی که مخالفان دست به مقاومت می‌زنند با کشتار وسیع غیرنظامیان روبه‌رو خواهد شد. البته از زمان شکست آتش‌بس (۲۱ سپتامبر) تا کنون که کمتر از یک ماه گذشته، ۱۸۰۰ غیرنظامی در بمباران حلب شرقی کشته و مجروح شده‌اند. روسیه



جنگنده‌های رادار گریز اف-۲۲ آمریکایی هم بسیار مرگ بار است. آمریکا هم در مقابل از توانایی خود در شکست دادن این دو سیستم یاد کرد. تهدید دیگر آمریکا، مسلح ساختن مخالفان اسد به تسلیحات بیشتر و مرگبارتر از جمله حجم بیشتری از موشک‌های ضدتانک تاو و راکت‌های دوربرد گراد و البته موشک‌های دستی ضد هوایی بود. پاسخ روسیه هم مبتنی بر تهدید بود؛ مسکو اعلام کرد هر کشوری که جان نیروهای روسیه در سوریه را به خطر اندازد، مسئول بوده و تاوانش را به سختی خواهد پرداخت. کربی، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا آشکارا از حمله گروه‌های تروریستی به منافع روسیه و شهرهای این کشور سخن گفت و اینکه اجساد سربازان روس در کیسه به وطن برخواهد گشت؛ پاسخ روسیه اما تأکید بر باقی ماندن در سوریه برای طولانی مدت بود؛ پوتین قانون استقرار نامحدود نیروی هوایی روسیه از نظر زمانی در پایگاه هوایی حمیمیم در لاذقیه را امضا کرد و توافق با سوریه برای استفاده روسیه از پایگاه دریایی طرطوس به مدت ۴۹ سال اعلام گردید. قدرت‌نمایی بیشتر روسیه با رسیدن ناو هواپیمابر کوزنتسوف و نبردناو «پتر کبیر» بیشتر شد. آمریکا در مقابل، روسیه را به تحریم تهدید کرد و از باقی ماندن گزینه نظامی مد نظرش سخن گفت. تحریمی که با مخالفت آلمان مواجه شده است. در حال حاضر حساب‌های بانکی شبکه راشاتودی مصادره شده است اما جدیتی در آمریکا برای اعمال تحریم‌های کمرشکن و جدی علیه روسیه دیده نمی‌شود. تنها سخن از تحریم اقتصادی علیه روسیه است و بس. آمریکا و متحدانش، کماکان بیشتر لفاظی می‌کنند تا عمل؛ حتی بریتانیا اعلام کرد که به خلبانانش دستور داده اگر از جانب جنگنده‌های روسیه مورد تهدید واقع شدند، حق ساقط کردن آنها را خواهند داشت. اما روسیه به جای تهدیدهای لفظی، اقدامات عملی صورت داد؛ روسیه توافق‌نامه با آمریکا برای کاهش ذخایر پلوتونیوم با خلوص بالا<sup>۱</sup> را که قابلیت استفاده تسلیحاتی دارد، لغو کرد. بر اساس این توافق که توسط لاوروف و هیلاری کلینتون امضا شده بود، دو طرف موافقت کرده بودند ۳۴ تن از ذخایر پلوتونیوم خود را (که می‌توان به وسیله آن ۱۷ هزار سلاح هسته‌ای ساخت) با سوزاندن در رآکتورهای اتمی از بین ببرند. به علاوه روسیه اقدام به استقرار موشک‌های بالستیک اسکندر در منطقه کالینینگراد کرده است. چون برد این موشک‌ها بیشتر از ۵۰۰ کیلومتر است و اگر مجهز به کلاهک هسته‌ای باشند،

به کاربرد بمباران فرشی، تنبیه غیرنظامیان به سبب همراهی با مخالفان مسلح و ارباب با بمباران متهم شده است. از نظر اسد، پاکسازی حلب شرقی، گامی مهم برای یکسره کردن کار مخالفان محسوب می‌شود. آمریکا اما -آن گونه که کری وزیر خارجه تأکید کرد- به این باور دارد که با سقوط حلب شرقی، دیگر به هیچ رو نمی‌توان مخالفان را به پذیرش گفتگو با اسد برای پذیرش روند گذار سیاسی قانع کرد. البته چون آمریکا، پیروزی نظامی اسد و ابقای وی را قابل قبول نمی‌داند و از سوی دیگر سقوط ناگهانی او را موجب آشفته‌تر شدن وضعیت در سوریه می‌داند، به تکاپوی ممانعت از سقوط حلب شرقی و برقراری آتش‌بس افتاده است.

### پاسخ آمریکا و ضدحمله روسیه

آمریکا در کلام، تهدیدات تندی علیه بشار اسد اعلام کرد و از کاربرد نیروی نظامی علیه سوریه سخن گفت. اینکه با موشک‌های کروز، پایگاه‌های نیروی هوایی سوریه نابود شود تا بمباران شهرها متوقف شود؛ برخی زیرساخت‌های نظامی سوریه هدف قرار گیرد تا فشار نظامی، اسد را به پذیرش آتش‌بس و شروع ترتیبات گذار سیاسی، وادار کند یا اینکه دست کم، منطقه پرواز ممنوع بر فراز حلب یا نواحی دیگر اعمال گردد، از جمله بخشی از این تهدیدات لفظی بود. پاسخ روسیه البته تند بود؛ روسیه از استقرار موشک‌های ضد هوایی جدید اس-۳۰۰ در لاذقیه سخن گفت؛ بر دفاع از خود در برابر هر گونه تهدید از جانب همه از جمله آمریکا تأکید کرد و اعلام نمود که ترکیب اس-۳۰۰ و اس-۴۰۰، حتی برای



معاهده بین‌المللی ۱۹۸۷ در مورد کنترل تسلیحات هسته‌ای با برد متوسط<sup>۱</sup> را نقض می‌کنند.

سرسختی و مقاومت روسیه، احساس خطر جدی در میان همگان پدید آورده است. جوزف دانفورد، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا در نشست با کمیته خدمات مسلح سنا هشدار داد که «اجرای طرح منطقه پرواز ممنوع در سوریه، مستلزم جنگ با روسیه» خواهد بود و به جنگ جهانی سوم می‌انجامد. نعمان کورتولموش معاون نخست‌وزیر ترکیه نیز از خطر جنگ جهانی سوم میان آمریکا و روسیه در صورت شدت گرفتن جنگ نیابتی در سوریه سخن گفت. اشتاین‌مایر، وزیر خارجه آلمان، زمان کنونی را خطرناک‌تر از دوران جنگ سرد دانسته و تأکید کرد هیچ‌گاه خطر وقوع جنگ و رویارویی نظامی میان روسیه و آمریکا به اندازه امروز جدی نبوده است. چورکین هم روابط کنونی مسکو-واشینگتن را در بدترین وضعیت در چهل سال گذشته دانسته است. اقدامات روسیه، هر چند اغلب نمایشی دانسته می‌شود، اما آشکارا پیام‌هایی را به آمریکا منتقل می‌کند: ارتش روسیه اقدام به برگزاری مانور نظامی در سطح کشور کرد که طی آن جابه‌جایی ۴۰ میلیون شهروند به منظور آمادگی برای جنگی فراگیر و حملات اتمی تمرین شد. به علاوه دولت روسیه با اصلاح یکی از قوانین، اجازه افزایش شمار نیروهای ذخیره ارتش از راه فراخواندن سربازان ذخیره و نظامیان بازنشسته را صادر کرد. البته آمریکا هم بر درجه آمادگی خود برای جنگ اتمی افزوده است؛ گفته شده است که آمریکا سامانه هشدار دفکون<sup>۲</sup> آرا که پنج درجه هشدار دارد در مرحله سوم یا نارنجی قرار داده است. اتفاقی که از زمان حملات ۱۱ سپتامبر روی نداده بود. البته این ادعا مبتنی بر گمانه‌زنی است زیرا اطلاعات وضعیت دفکون علنی نمی‌شود. با این حال باید گفت وضعیتی غیرعادی و غیردوستانه میان مسکو-واشینگتن حاکم است. روسیه از پشتیبانی از اسد دست نخواهد کشید؛ اگرچه هدف روسیه از جنگ در سوریه از آن چنان انعطافی برخوردار است که بتواند از اسد دست بکشد، مشروط بر آنکه وضعیتی آبرومندانه برای پوتین در افکار داخلی روسیه مبنی بر اینکه وی در سوریه، شکست نخورده یا آنکه پیروز شده

است، ایجاد شود؛ پایگاه‌های نظامی روسیه در سوریه حفظ شوند؛ تلفات و صدمات نظامی محدود بمانند؛ حضور نظامی روسیه با پذیرش بین‌المللی همراه شود و البته هدفی که روسیه از حضورش در سوریه اعلام کرده، یعنی مبارزه با تروریسم، حتی به صورت ظاهری محقق شود؛ نابودی داعش تسریع گردد و مخالفان میانه‌رو از فتح الشام و گروه‌های تروریستی مشابه جدا شوند. آنگاه گونه‌ای از روند گذار سیاسی را شاید بتوان به روسیه قبولاند. با این حال، تردیدی نمی‌توان داشت که اقدامات کنونی روسیه، به هیچ‌رو تمایلی به پذیرش آغاز روند گذار در سوریه را نشان نمی‌دهد.

آنچه آمریکا به دنبال آن است، دست کم تا زمانی که اوپاما در چند ماه آتی در کاخ سفید خواهد بود و تا زمانی که برنده انتخابات آتی، سیاست جدیدش را آغاز کند، خودداری از اقدام نظامی مستقیم علیه اسد در سوریه است. حتی بعید به نظر می‌رسد که حجم و کیفیت انتقال سلاح به مخالفان اسد در این مدت دچار تغییر فاحشی شود. به‌رغم همه شایعات منتشر شده مبنی بر انتقال قریب‌الوقوع حجم عظیمی از موشک‌های ضدتانک یا موشک‌های ضدهوایی کمتر پیشرفته (مانند سام-۷) یا آغاز عملیات جدی مخالفان در حلب، درعا یا قنیطره، تحرک نظامی جدی از جانب آنان مشاهده نمی‌شود. آمریکا تنها به نظاره نشسته است؛ شکست سهمگین مخالفان اسد در حاشیه دمشق، بدون هیچ تحرکی از جانب آمریکا همراه بوده است. جبهه درعا، سویدا و قنیطره ساکت بوده و حرکتی هم در بادیه سوریه برای ضربه‌زدن

1. The Intermediate-Range Nuclear Forces Treaty (INF Treaty) or Treaty Between the United States of America and the Union of Soviet Socialist Republics on the Elimination of Their Intermediate-Range and Shorter-Range Missiles, 1987.
2. The defense readiness condition (DEFCON).

پذیرفت؛ نه فقط مخالفان، که رژیم صهیونیستی و سعودی هم پذیرای چنین امتیازی برای ایران نیستند. ترکیه در چند ماه اخیر کوشیده تا تعامل سازنده‌ای با روسیه در پیش بگیرد. سکوت عملی روسیه در قبال عملیات «درع الفرات» توسط ارتش ترکیه و ارتش آزاد سوریه علیه داعش و ی.پ.گ (کردها) در کنار برخی مواضع ترکیه، گواه این تعامل سازنده است. ترکیه فتح الشام را گروهی تروریستی خوانده؛ از مخالفان خواسته برای جلوگیری از آسیب دیدن بیشتر غیرنظامیان بخش شرقی حلب را ترک کنند و بر حفظ تمامیت ارضی سوریه تأکید کرده است. با این حال، ترکیه همچنان بر قدرت ماندن اسد را غیرممکن و تنها، مایه تداوم جنگ داخلی می‌داند. به علاوه، به نظر می‌آید انتقال سلاح از ترکیه برای مخالفان اسد همچنان ادامه دارد. برای سعودی هم چیزی به جز سقوط اسد و ریشه کن کردن نفوذ ایران در سوریه قابل قبول نیست. البته اگر توافقی کلان میان آمریکا-روسیه در خصوص سوریه شکل بگیرد، سعودی نخواهد توانست ممانعتی از اجرای آن ایجاد کند. وضع ترکیه البته بفرنج تر خواهد بود: ترکیه خواستار بازگشت کردها به سرزمین‌های تحت کنترل خود و تخلیه مناطق عرب‌نشین است که با بیرون راندن داعش تصرف کرده‌اند. ترکیه برای ممانعت از اتصال عفرین و کوبانی به سوی شهر الباب پیش می‌رود و طرحی برای جدا کردن قامیشلو و کوبانی، از طریق حمله به «تل ابیض» هم دارد. کردها نشان داده‌اند که حرف‌شنوی چندانی هم از آمریکا ندارند و برای بسط تسلط ارضی خود، حاضر به همکاری صمیمانه با اسد و روسیه هم هستند. آنان منبع را تخلیه نکرده و به شرق فرات عقب‌نشینی نکرده‌اند. پس از سقوط دابق (شهر آخرالزمانی محبوب داعش) و پیشروی ارتش آزاد و نیروهای ترکیه به سوی جنوب، کردها هم تصرف مناطق تحت سیطره داعش در غرب «تل رفعت» را شدت بخشیدند. هنوز مشخص نیست که آیا جنگ مجدد کردها و ارتش آزاد در راه خواهد بود یا خیر، به خصوص که به کردها مهلت داده‌اند تل رفعت را تخلیه کنند.

وضعیت اسرائیل هم در اوج تنش در روابط روسیه و آمریکا مغشوش است. حضور بیشتر روسیه در سوریه نگرانی این رژیم را بیشتر کرده است؛ تعمیق روابط روسیه و ایران به ضرر اسرائیل خواهد بود. پیش‌تر روسیه قطعنامه تروریستی خواندن حزب‌الله را وتو کرد. روسیه تسلیحات جدیدی برای ارتش اسد ارسال کرده

به اسد و کاستن از فشار بر غوطه و قلمون صورت نگرفته است. این وضعیت این فرضیه را تقویت می‌کند که آمریکا به دنبال بوسنی شدن سوریه است. به این شیوه، نوار غربی سوریه در کنترل اسد، نوار شمالی در کنترل کردها و مناطق عمدتاً سنی در کنترل مخالفان خواهد بود؛ سوریه فرو نمی‌پاشد اما دیگر از اقتدار یکپارچه مرکزی هم خبری نخواهد بود. چنین طرحی، شاید بتواند روسیه را به دست کشیدن از اسد راضی کند؛ البته اگر پوتین امتیازاتی در خصوص اوکراین یا تحریم‌هایش مطالبه نکند. او با ما اکنون تنها به عملیات در موصل توجه دارد. به علاوه این گمان هم وجود دارد که اسد، هر چند پیروزمندانه به پیش می‌رود، اما احتمال اینکه بتواند پیروزی قاطع نظامی بر مخالفان به دست آورد، زیاد نیست. هدف آمریکا، همچنان تخلیه ظرفیت استراتژیک کشورهای درگیر در سوریه خواهد بود. اما این طرح‌ها، به خصوص تشکیل یک «بوسنی خاورمیانه‌ای» به سبب وجود بازیگران دیگر در بحران سوریه، با مشکلات بسیاری مواجه خواهد شد.

## سایر بازیگران در میان تنش مسکو-واشینگتن

دشواری آمریکا و روسیه برای توافق در خصوص سوریه، با وجود بازیگران دیگر بسیار زیاد است. آشکار است که ایران، کنار رفتن اسد یا تقسیم‌بندی سوریه همچون بوسنی را نخواهد پذیرفت. ایران خود را آماده ساخته است تا حتی اگر روسیه همراهی‌اش نکند، به مقاومت در سوریه ادامه دهد. شکی نیست که آمریکا باقی ماندن ایران در سوریه را نخواهد

که ممکن است بخشی از آن به دست حزب الله برسد؛ سامانه دفاع هوایی پانتسیر به تعداد زیاد به سوریه منتقل شده البته با این امتیاز که سوریه بعداً تسویه مالی آن را انجام دهد. ممکن است روسیه سرانجام اس-۳۰۰ را هم (همان طور که به ایران تحویل داد) به سوریه هم تحویل دهد. استقرار پایگاه‌های راداری-مخابراتی روسیه در سوریه، ممکن است با انتقال اطلاعات نظامی اسرائیل به سوریه، ایران و حزب الله همراه شود. به علاوه خطر درگیری تصادفی میان اسرائیل و روسیه هم بیشتر شده است. اسرائیل خواستار هماهنگی جدیدی با روسیه در خصوص عملیات نظامی در سوریه شده است. نیویورک تایمز به طعنه نوشته است که اسرائیل دریافته، با کم توجهی آمریکا به خاورمیانه، روسیه کلانتر جدید منطقه است. برخی مواضع اخیر مصر در خصوص روسیه (رأی مثبت به قطعنامه پیشنهادی روسیه در شورای امنیت، تنش در رابطه قاهره-ریاض و قطع کمک نفتی عربستان به مصر، مانور مشترک با روسیه و حتی احتمال احداث پایگاه نظامی روسیه در مصر) حاکی از درک الیسیسی از این وضعیت جدید خاورمیانه است که آمریکا از منطقه کنار کشیده اما روسیه قصد ایفای نقشی فعال و طولانی مدت دارد.

### نتیجه گیری

پرسش اصلی برای ایالات متحده در سوریه، این نیست که باید چه هدفی را دنبال کند بلکه این است که آیا ابزارهایش برای وادار ساختن روسیه و ایران برای دست کشیدن از حمایت اسد کار آیی دارد؟ آمریکا به دنبال سرنگونی سریع اسد نیست؛ یکپارچه شدن قدرت در سوریه با سقوط ناگهانی اسد، بسیار دشوار خواهد بود و تنها یک عراق یا افغانستان جدید بر جای خواهد گذاشت. تاکنون تبعات ناامنی در سوریه (آوارگان و تروریسم) برای آمریکا ناچیز بوده است. اما بر سر کار ماندن اسد هم گزینه غیرقابل قبولی است. بحران سوریه، فرصتی برای تضعیف دشمنان آمریکا بوده و با اخراج ایران و حزب الله از سوریه دستاوردی بزرگ برای آمریکا حاصل خواهد شد. آمریکا در سوریه کنار رفتن اسد در یک فرآیند انتقالی، خروج نیروهای خارجی از سوریه، تضمین حقوق و امنیت اقلیت‌ها، بازگشت آوارگان و طرد گروه‌های تروریستی را دنبال می‌کند. البته آمریکا برای چنین دستاوردی، هزینه نخواهد کرد بلکه تمایل دارد دوستان خاورمیانه‌ای خود

برای حل مسئله، از طریقی که آمریکا مناسب می‌بیند، فعالیت بیشتری کنند. برای تغییر رفتار روسیه و ایران در سوریه هم، آمریکا فراروی خود مشکلات عمده‌ای می‌بیند. تحریم مجدد ایران، از نظر کسب همراهی بین‌المللی دشوار خواهد بود و به علاوه، ممکن است دستاوردهای برجام را یکسره بر باد دهد. در مورد روسیه، هر اقدامی با احتیاط و دوران‌دیشی بیشتری همراه است. آمریکا از بدل ساختن سوریه به افغانستانی جدید برای روسیه احتراز دارد. لفاظی مکرر در مورد پلان ب یا مجهز کردن مخالفان به «استینگر» پوچ و توخالی از آب درآمده است. امکان اعمال تحریم جدی تر علیه روسیه هم به سبب مخالفت‌ها در میان کشورهای اروپایی، همراهی نکردن اقتصادهای بزرگی مانند چین و هند و تردید در خصوص زمان و شدت تأثیر آن، مورد بحث و مجادله است. منتقدان سیاست آمریکا در سوریه تأکید می‌کنند گرفتن امتیاز سیاسی از روسیه، جز با قرارداد مسکو در تنگنایی نظامی مقدور نخواهد بود؛ مذاکره با پوتین، که می‌کوشد انتقام فروپاشی شوروی و تحقیر روسیه در یک دهه پس از آن را با عرض اندام‌های این چنینی بگیرد، حاصلی نخواهد داشت. در مجموع باید گفت دست کم تا ماه‌های ابتدایی سال آینده میلادی، همچنان که روسیه به عملیات نظامی و حمایت از اسد ادامه می‌دهد، آمریکا تصمیم قاطعی در خصوص سوریه اتخاذ نخواهد کرد.

